

The Function of Elements of Non-Structural Coherence in the Prayer of the Eighteenth Sahifeh Sajjadiyeh

Mohammad Hassan Amraee*
Alireza Kahe**
Yousef Mohammadi Soleimani***

Received:09/03/2019

Accepted:20/02/2020

Abstract

The "system-role" theory of linguistics, Michael Holliday, is one of the most important linguistic theories that, in the systematic role-oriented framework, analyze various literary texts. In part of this theory, he speaks of indicators that should have a coherent text. Then, Roghayeh Hassan, by presenting a separate theory called "coherence coordination", completes his wife's theory. In this study, based on the evolution of the theory of Holliday and Hassan 1985, as well as the concept of the coordination of coherence that Roghayeh Hassan introduced in 1984, his coherence and coherent tools, in the prayer of the eighteenth Sahifeh Sajjadiyeh, were criticized and evaluated. Descriptive - analytical and statistical. The purpose of the author in this article is to explain the coherence, factors, and the extent of this coherence in the text of the 18th Sahifeh Sajjadiyah, relying on the above-mentioned theorem. The research achievement shows that there is a very high level of textual consistency and nearly 100% percent, which is remarkable in terms of linguistic knowledge and reflection. The non-structural coherence elements and lexical tools, in the text of the eighteenth Sahife Sajjadi's prayer, have a dominant and impressive presence. This frequency over the frequency of non-structural coherence factors in the text of the prayer mainly reflects the success of Imam Sajjad (as) in the accurate reflection of the concepts of prayer in Sahifeh Sajjadiyeh.

Keywords: Imam Sajjad (AS), Sahifah Sajadiyyah, Eighteenth Prayer, Coherence Theory, Structural Coherence.

* Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Velayat, Iranshahr, Iran. (Corresponding Author) m.amraei@velayat.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Velayat, Iranshahr, Iran. a.kahe@velayat.ac.ir

*** Instructor of Islamic Education Department, velayat University, Iranshahr, Iran. y.mohammadi_soleimani@velayat.ac.ir

کارکرد عناصر انسجام دستوری غیر ساختاری در دعای هجدهم صحیفه سجادیه

محمدحسن امرائی*

علیرضا کاهه**

یوسف محمدی سلیمانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

نظریه زبان‌شناسی "سیستمی - نقشی" مایکل هالیدی در چارچوب نقش‌گرایی به‌شکلی نظام‌مند به تحلیل متون ادبی مختلف می‌پردازد. او در بخشی از این نظریه، از شاخص‌هایی سخن می‌گوید که یک متن منسجم باید داشته باشد. سپس رقیه حسن با ارائه نظریه مجزایی به‌نام "هماهنگی انسجامی" به تکمیل نظریه همسرش می‌پردازد. در این پژوهش، بر اساس نسخه تکامل‌یافته نظریه هالیدی و حسن ۱۹۸۵م، و نیز مفهوم هماهنگی انسجامی که رقیه حسن در سال ۱۹۸۴م مطرح کرد، انسجام و ابزارهای انسجام‌بخش آن، در دعای هجدهم صحیفه سجادیه، به‌بوتة نقد و ارزیابی توصیفی - تحلیلی و آماری گذارده می‌شود. دستاورد پژوهش نشان از وجود انسجام متنی بسیار بالا و نزدیک به ۱۰۰٪ درصد را دارد که از منظر دانش زبان‌شناسی قابل توجه و تأمل است. عوامل و ابزارهای دستوری و واژگانی انسجام غیر ساختاری، در متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه، حضوری غالب و چشمگیر دارند. این بسامد بالای فراوانی عوامل انسجام غیر ساختاری در متن دعا، عمدتاً نمایانگر توفیق امام سجاد (ع) در بازتاب دقیق مفاهیم دعا در صحیفه سجادیه است.

واژگان کلیدی

امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، دعای هجدهم، نظریه انسجام، انسجام غیر ساختاری.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. (نویسنده مسئول) m.amraei@velayat.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. a.kahe@velayat.ac.ir

*** مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. y.mohammadi_soleimani@velayat.ac.ir

طرح مسئله

هالیدی (۱۹۹۴) رویکرد خود را نقش‌گرایی می‌خواند زیرا معتقد است که آراء او نسبت به زبان بیشتر متکی بر نقش عناصر زبانی است (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵ش، ص ۹۰ و ۲۲۵). او این اتکا را در سه تفسیر به کار می‌برد:

الف) در تفسیر متون،

ب) در تفسیر نظام،

ج) در تفسیر ساخت‌های عناصر زبانی.

از نظر او دستور نقش‌گرا اساساً دستوری طبیعی است، و در توضیح این رویکرد می‌گوید: اولاً: این دستور دستوری نقش‌گراست. ثانیاً: ویژگی‌ها و محتویات بنیادی معنا در زبان همان ویژگی‌ها و محتویات نقشی هستند و همه زبان‌ها بر اساس سه معنای بنیادی سازماندهی می‌شوند که عبارت‌اند از:

الف) معنای اندیشگانی یا معنای انعکاسی،

ب) معنای بینافردی یا فعال،

ج) معنای متنی (جرمی موندی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰۱).

این ویژگی‌ها را در این نظریه فرانش‌ها می‌نامند، و ویژگی اندیشگانی و بینافردی دو هدف اساسی را در نظام زبانی دنبال می‌کنند:

۱- برای فهمیدن محیط و انتقال اطلاعات (اندیشگانی).

۲- به منظور تاثیرگذاری بر دیگران (بینافردی).

نظریه هالیدی، به سبب قابلیت‌هایی که در تعیین میزان انسجام دارد، می‌تواند چارچوبی کارآمد در راستای تحلیل میزان انسجام در متن سوره‌های قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و دیگر متون مذهبی باشد. این موضوع، می‌تواند از ضرورت‌های بنیادین پرداختن به این پژوهش دینی تلقی گردد. از طرفی امام سجاد (ع) ادعیه صحیفه سجادیه را در هیجانی‌ترین حالات روحانی و عرفانی خود هنگام راز و نیاز با معبود ازلی خویش بر زبان جاری ساخته که این خود می‌تواند از منظر انسجام و ارتباط منطقی میان کلمات و جملات دعاها، به‌ویژه در نیایش هجدهم، محور سؤال و تردید برای مخاطبان آن قرار گیرد.

بر همین اساس، این پژوهش، در صدد است تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. عوامل انسجام متن در دعای هجدهم صحیفه سجادیه کدامند؟

۲. انسجام متنی در دعای هجدهم صحیفه سجادیه، به چه میزان است؟

۳. با توجه به عوامل انسجام، آیا می‌توان ادعا کرد که دعای هجدهم از صحیفه سجاده، منسجم و هماهنگ است؟
۴. با نظر به کارکرد عوامل انسجام در پیوستگی متن، امام سجاده (ع) تا چه حدی در انتقال مفاهیم دعای هجدهم از صحیفه سجاده، توفیق یافته است؟

پیشینه تحقیق

مسأله انسجام متن، در روزگار معاصر، از مهمترین مسائل مورد توجه زبان‌شناسان نقش‌گرا است. این موضوع در متون مذهبی همانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجاده نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مقایسه با قرآن کریم و نهج‌البلاغه، در حوزه انسجام متن صحیفه سجاده امام سجاده (ع) که موضوع این پژوهش است، تحقیقات کمتری انجام شده است.

نخستین تلاش و شاید تنها تلاش در این زمینه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، از خانم مطهره وطن‌خواه به‌راهنمایی طیبه سیفی با عنوان: "بررسی عناصر انسجام متن در پنج دعا از صحیفه سجاده" در دانشگاه شهید بهشتی تهران است که بر اساس نظریه قدیمی هالیدی (۱۹۷۶م) صورت یافته است؛ بنابر این، انسجام غیر ساختاری بر اساس نظریه جدید و تکامل‌یافته هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) در آن منظور نشده است. به هر حال، این پایان‌نامه تنها پنج دعای نخست را در صحیفه سجاده، بر مبنای الگوی هالیدی (۱۹۷۶م) بررسی کرده و دارای اشکالاتی اساسی نیز هست. به‌عنوان نمونه، در اثر یاد شده، به‌جای بررسی انسجام در متن ادعیه و متمرکز شدن بر اصل موضوع، به اثبات جایگاه ادبی و بلاغی صحیفه سجاده پرداخته شده است که بیشتر در حوزه دانش زیباشناسی است نه زبان‌شناسی. به هر حال، مقاله حاضر، در امتداد همین پیشینه کوتاه، به ارزیابی کاملاً تصادفی انسجام و ابزارهای آن در متن دعای هجدهم از صحیفه سجاده، بر اساس نسخه ترکیبی و تکامل‌یافته نظریه هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) پرداخته است.

بدیهی است که درباره کاربست انسجام غیر ساختاری (۱۹۸۵م) در دعای هجدهم صحیفه سجاده تا آنجا که نگارندگان این پژوهش اطلاع یافته‌اند، تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

۱. انسجام در زبان‌شناسی نقش‌گرا

انسجام از اصطلاحات کلیدی در زبان‌شناسی نقش‌گراست. "بافتار متن" از سه شاخص کلی انسجام، ساختار متنی و ساختار کلان شکل گرفته است (Halliday & Hassan, 1976, P. 324). انسجام، از روابط همنشینی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین، بررسی آن به عهده ساختار است. ساختار به این معنا، اساساً در سطحی متفاوت با دستور عمل می‌کند. وظیفه دستور بررسی صحت

و سقم نحوی جمله، نحوه شکل‌گیری جمله و تحلیل سازه‌های کوچکتر آن است؛ اما ساختار به "متن" توجه می‌کند - خواه متن از یک کلمه یا عبارت تشکیل شده باشد، مانند عبارت "ورود ممنوع" و خواه تمام یک رمان را در بر بگیرد - به این معنا، «متن به مثابه یک واحد معنایی مستقل محسوب می‌شود» (Halliday & Hassan, 1976. P. 293).

بدین ترتیب، وظیفه ساختار بررسی نحوه شکل‌گیری متن، بررسی دستور حاکم بر متن و تحلیل چگونگی پدیدآمدن انسجام در متن است. در بررسی متن، با اینکه مبحث انسجام همه موضوع، یعنی تمامی بافتار متن را در بر نمی‌گیرد، بخش مهمی از به آن‌شمار می‌رود. هالییدی مبحث انسجام را در پژوهش‌های آتی خود با عنوان انسجام "غیر ساختاری" بررسی می‌کند. و در ادامه، موضوعاتی چون انسجام لغوی، انسجام نحوی و انسجام پیوندی را بررسی می‌کند (Halliday, 2002, p.6).

مولفه دوم در بررسی بافتار متن، «ساختار متنی» است. ساختار متنی به روابط درون‌جمله‌ای و نحوه سازماندهی اطلاعات و مضمون در جمله توجه می‌کند. هالییدی، در پژوهش‌های بعدی ساختار متنی را با عنوان «انسجام ساختاری» مطرح می‌کند و در ادامه، سه موضوع توازی، ساختار مضمونی جمله و ساختار اطلاعاتی جمله را بررسی می‌کند (یارمحمدی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۱-۴۸). به نظر هالییدی انسجام ساختاری و غیرساختاری به‌تنهایی بر سازنده بافتار متن به‌شمار نمی‌روند؛ بلکه متن محصول تعامل مشترک این دو است. با این حال، در پژوهش حاضر، تنها انسجام غیرساختاری بررسی می‌شود.

مولفه سوم در بررسی بافتار متن، «ساختار کلان» است. ساختار کلان به صورت‌های متنوع گفتمانی و ساختارهای کلانی چون روایت، گفت وگو، درام، تغزل و... توجه می‌کند. به‌عنوان نمونه، در تحلیل و بررسی ژانر می‌توانیم از این مؤلفه بهره بگیریم. به این دلیل که بررسی ساختارهای کلان موضوعی مستقل است که در مباحث تحلیل گفتمان به آن توجه می‌شود و هدف این جستار نیز بررسی انسجام غیرساختاری است. در ادامه، مبحث انسجام و اصول شکل‌گیری آن را بررسی خواهیم نمود. برای همین منظور، دعای هجدهم صحیفه سجادیه از امام سجاد (ع)، را به‌عنوان نمونه شاخص انتخاب کرده‌ایم تا از منظر انسجام غیر ساختاری و نحوه سازماندهی آن، به‌بوتة نقد و تحلیل ادبی بسپاریم.

۲. انسجام غیر ساختاری

در این بخش، نحوه شکل‌گیری انسجام غیرساختاری در دعای هجدهم صحیفه سجادیه بررسی می‌شود. بنابراین، روش توصیفی به‌کار رفته در این جستار، در پی ارائه تفسیری قطعی یا برتر از

دعای صحیفه سجاده نیست؛ زیرا تفسیر در روش توصیفی جایی ندارد. با این همه بررسی انسجام غیرساختاری این پتانسیل را دارد که به عنوان روشی جانبی یا تکمیلی به کار رود. و بدیهی است که استفاده از این رویکرد در نهایت ممکن است برخی از ابهامات را روشن و آشکار نماید. به تعبیر هالیدی، "پیوستگی" که از طریق انسجام در متن حاصل می شود، موجب می شود تا خواننده خود تمام بخش های غایب از متن را فراهم آورد. این بخش ها، اگر چه فعلا در متن حاضر نیستند، برای تفسیر آن ضروری به شمار می روند (Hassan & Halliday, 1979, P. 299). انسجام غیرساختاری بر دو دسته از روابط مؤلفه ای و آرگانیک مبتنی است. روابط مؤلفه ای به دو دسته کوچک تر انسجام لغوی و انسجام نحوی تقسیم می شوند. روابط آرگانیک نیز تنها شامل انسجام پیوندی است.



۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. ابزارهای انسجام

ابزارهای آفریننده انسجام متن از منظر هالیدی و حسن (۱۹۷۶م) در زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می شوند:

(الف) ابزارهای دستوری، شامل ارجاع، جایگزینی و حذف.

(ب) ابزارهای واژگانی شامل تکرار و هم آبی.

(ج) ابزارهای پیوندی شامل حروف ربط (همان: ۷).

این پژوهش، بر اساس نظریه تکامل یافته هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) نگاشته شده و انسجام غیر ساختاری در آن مورد نظر است:

جدول (۱) خلاصه ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985, p. 82)

انسجام غیرساختاری (non – structural cohesion)

روابط عناصر سازنده (componential relations) روابط اندام‌وار (organic relations)

	عنصر (device) رابطه نوعی گره (typical tie relations)	
۱. پیوندی (conjunctions) ۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs) مثال: جوابی که پس از سؤال می‌آید. پذیرشی که پس از پیشنهاد می‌آید و ...	الف) ارجاع (reference) ۱. ضمیری (pronominals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) هم‌مرجع (referenceco) ۳. حرف تعریفی (definitive article) ۴. مقایسه‌ای (comparative) ب) جانشینی و حذف (substitution & ellipsis) ۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. جمله‌ای (clausal) هم طبقه (co classification)	عوامل انسجام دستوری
تمدیدی (continuative) مثال: هنوز	الف) عام (general) ۱. تکرار (repetition) ۲. هم‌معنایی (synonymy) هم طبقه (co classification) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کلّ (meronymy) هم گستر (co-extention) ب) نمونه‌ای (موردی) (instantial) ۱. برابری (equivalence) ۲. نام‌گذاری (naming) هم‌مرجع (co - reference) ۳. تشابه (semblance) هم طبقه (co - classification)	عوامل انسجام واژگانی

انسجام ساختاری: (structural cohesion)

الف) توازن (parallelism).

ب) بسط مبتدا - خبر (theme - rheme development).

ج) سازمان‌دهی (اطلاعات) کهنه و نو (given - new organization)

هلیدی در مهمترین اثر خود «درآمدی بر دستور نقشی» عوامل انسجام بخش را به چهار دسته تقسیم می‌کند: انسجام دستوری، انسجام واژگانی و ادات ربط و پیوندی. انسجام دستوری، شامل ارجاع، جایگزینی و حذف است:

الف) ارجاع: هالیدی و حسن در تعریف مقوله ارجاع گفته‌اند: هر واژه غیر صریح، ممکن است پیش یا پس از آن واحد زبانی بیاید که به آن ارجاع داده می‌شود - یعنی مرجع زبانی آن با توجه به بود و نبود کلمه مرجع، ارجاع به دو طریق صورت می‌گیرد: ارجاع برون متنی و ارجاع درون متنی (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۱۸۸). مثلاً زمانی که می‌گوییم «آن را برایم بیاور»، مرجع ضمیر آن در درون متن نیست و برون متنی به حساب می‌آید «حمید با بچه‌ها بازی می‌کرد؛ اما او آنها را دوست نداشت». ضمائر «او» و «آنها» که از نوع ارجاع درون متنی هستند، از طریق رابطه ارجاعی به انسجام متن کمک می‌کنند. این نوع از ارجاعات در جدول (۳) روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن دعای ۱۸ صحیفه سجاده ضبط و گرد آمده است.

ب) جانشینی و حذف: در این دو فرایند یا عنصری حذف می‌گردد یا جایگزین عنصری دیگر می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۷۶). به عنوان مثال: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللِّدِينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ» (الماعون: ۲) که واژه «ذَلِكَ» جایگزین «الَّذِي يُكَذِّبُ بِاللِّدِينِ» گردیده است. و یا در مثال: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» در هر سه این آیات بالا، فرایند بند یعنی فعل «أقسم» حذف شده است.

انسجام واژگانی: مبتنی بر روابطی است که واحدهای واژگانی زبان به لحاظ محتوای معنایی شان با یکدیگر دارند. این روابط صورت‌های گوناگونی دارد که عبارتند از: تکرار: از جمله ابزارهای انسجام‌بخش در متن است که موجبات انسجام محتوایی متن را فراهم می‌آورد. تکرار در قالب‌های گوناگونی، همانند: «هم معنایی یا مترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی»، و «رابطه جزء و کل» رخ می‌دهد (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶، ص ۷۶). هم معنایی: به گرایشی که برخی واژگان برای وقوع در کنار یکدیگر دارند، گفته می‌شود. مانند: «بَلَاءٍ» و «وِزْرٍ» در متن نیايش هجدهم از صحیفه سجاده که در جدول (۳) نیز ذکر شده است.

تضاد معنایی: به نوعی ارتباط واژگانی گفته می‌شود که در یک حوزه معنایی قرار داشته؛ اما ارتباط آنها بر اساس تقابل و تضاد است، مانند: «أَحْبَبْتُ» و «كَرِهْتُ» در متن دعای هجدهم که با یکدیگر رابطه تقابل داشته و لذا زیرمجموعه عامل تقابل و تضاد در جدول (۳) قرار گرفته‌اند. جزء و کل: این اصطلاح به رابطه قسمتی از یک چیز کلی اشاره می‌کند (هالیدی و حسن، ۱۳۹۳، ص ۱۹۸) مانند کلمات «حُسْنِ قَضَائِكَ»، «بَلَائِكَ»، «رَحْمَتِكَ»، «عَافِيَتِكَ» که با یکدیگر رابطه جزء و کل داشته و لذا زیرمجموعه عامل جزء و کل در جدول (۳) نیز قرار گرفته‌اند.



عوامل نمونه‌ای دیگر مانند «برابری»، «نام‌گذاری»، و «تشابه» نیز از عوامل واژگانی موردبند. نامگذاری به ذکر اسامی مختلف برای یک معنا اشاره دارد. برابری زمانی اتفاق می‌افتد که دو عنصر معنایی به طور کامل مطابق هم باشند و تشابه، ذکر معناهای مشابه هم است. رقیه حسن اینگونه عوامل را محدود (مقید) به متن (Bound-Text) دانسته و معتقد است اعتبار این عوامل موردی به عنوان محصولی مخصوص همان متن است و در نظام زبانی توسعه نمی‌یابد. به عبارت دیگر، این عامل تنها در همان متن از طریق بافت زبانی معتبر است. (ایشانی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۰).
ادات ربط پیوندی: هلیدی این ابزارهای انسجام‌بخش پیوندی را به چهار گروه پیوندهای زمانی، پیوندهای علی، پیوندهای توضیحی، و تقابلی همراه با زیرگروه‌های متعددی تقسیم کرده است (Halliday & Matthiessen, 2004, pp.538-549).

در زبان عربی همین بحث، تحت عنوان مواضع «فصل و وصل» در علم معانی از شاخه‌های علم بلاغت مطرح شده تا جایی که نظر به اهمیت بسیار آن، در یکی از هشت باب این علم آمده است (تفتازانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱۷-۲۵۳؛ به نقل از ذوقی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۱).

۲-۳. مراحل تحلیل انسجامی در متن

برای نشان دادن انسجام یک متن، انجام مراحل زیر ضروری است و این مراحل با تکیه بر الگوی هماهنگی انسجامی پیش‌بینی شده‌اند:

۱. تقطیع متن بر اساس بندهای تشکیل‌دهنده آن (جمله‌واره‌ها: Clause)
۲. تقطیع بندها به ارکان اصلی آن.
۳. استخراج گره‌های انسجامی متن با تکیه بر انسجام دستوری و واژگانی.
۴. تشکیل زنجیره‌های یکسانی و شباهت.
۵. محاسبه درجه انسجام متن است.

بر اساس نظر غالب صاحب‌نظران، تقریباً هیچ متنی وجود ندارد که به‌طور کلی از انسجام و یکپارچگی خالی باشد؛ لذا مسأله مهم در حوزه انسجام متون، عمدتاً بر سر میزان این انسجام و ابزارهای انسجام‌بخش آن است. بر همین اساس، در این پژوهش، سعی شد متنی کوتاه از صحیفه سجاده انتخاب شود تا بتوان ضمن سهولت در رسم جدول‌ها، تمام بخش‌های نظریه هالییدی را در متن این دعا اجرا کرد و در نتیجه، به نتایج متقن و قابل استنادی در حوزه میزان انسجام و عناصر انسجام‌بخش متن نیاپس هجدهم از صحیفه سجاده به‌صورت موردی و گزینشی دست پیدا کرد.

۴. تحلیل عوامل انسجام در متن دعای هجدهم صحیفه سجاده

در این بخش از پژوهش، ضمن تقسیم دعای مذکور به بندها و جدانویسی هر یک از کلمه‌های موجود در این بندها، به حذف زوائد بندها مانند حروف ربط و اضافه اقدام نموده، و نیز آن بخش‌هایی از بند که محذوف، مقدر یا مستتر هستند و جزو ارکان بند محسوب می‌شوند را داخل پرانتز قرار می‌دهیم و در خلال بندها ذکر می‌کنیم. این کار برای ادامه بررسی و پیشبرد گام‌های بعدی (که به تجزیه و تحلیل بند بر اساس ارکان نیاز است) ضرورت دارد. عوامل و عناصر کلام در هر بند، در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲) تقطیع متن به ارکان اصلی آن در دعای ۱۸ صحیفه سجاده

جمله	لفظی و کلامی		ذهنی	ربطی	مادی
۱	(أدعو)	الله			
۲	الحمد	لَكَ (الله)			
۳	(الْحَمْدُ)	(لَكَ) الله			
۴	تَ	(الله)			صَرَفْتُ
۵	(أدعو)	(الله)			
۶	(أنتَ)	الله	حَظِي		لَا تَجْعَلْ
۷	تَ	(الله)			عَجَلْتُ
۸	تَ	(أنا)	قَدْ شَقِيتُ	أَكُونُ	
۹	تَ	بِما (أنا)	أَحْبَبْتُ كُلَّ شَيْءٍ	(ه)	
۱۰	يَ	(أنا)	سَعِدَ	غَيْرِي (الْبِئْسَانَ)	
۱۱	تَ	ما (أنا)	كَرِهْتُ	(ه)	
۱۲				يَكُنْ	(هو)

در جدول فوق، تمامی عوامل انسجام به گونه افقی در کنار هم قرار داده می‌شوند. به عنوان نمونه، جمله ۱ عبارت است از: «اللَّهُمَّ» که در واقع، بدین صورت بوده است: «أدعوا الله». در این جمله ضمیر مستتر «أنا» و «امام سجاده (ع)» در یک ستون قرار می‌گیرند؛ زیرا منظور از «أنا» همان امام سجاده (ع) است. فعل جمله یعنی «أدعوا» نیز در ستونی مستقل قرار گرفته است. چرا که مرادف و هم‌زنجیره‌ای در کلام ندارد و نتوانسته با کلمه‌ای دیگر در جدول ارتباط معنایی برقرار نماید. ضمیر مستتر «أنا» در فعل «أدعوا» از نوع ارجاع به ما بعد بوده و به اسم اعظم «امام سجاده (ع)» ارجاع داده می‌شود (اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ بنابراین، با یکدیگر در یک زنجیره یا ستون عمودی قرار گرفته‌اند.

در جمله‌های ۴ و ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۶ اسم موصول عام یا مشترک «ما» به تناوب تکرار شده و در یک ستون گذاشته شده است. اسم «عَاقِبَتُهُ» در جمله ۲۴ و در عبارت «عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ» در جمله ۲۶ «عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ» نیز مجدداً تکرار گردیده است، لذا کنار هم و در یک ستون عمودی قرار گرفته‌اند.

در جمله ۲ نیز «لَكَ»، در زیر ستون «الله» نوشته شده و با آن در یک ستون عمودی قرار گرفته است؛ چرا که این دو واژه با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند. عبارت «مَنْ رَحِمْتِكَ» با عبارت «مَنْ عَاقِبَتِكَ» در یک ستون عمودی قرار گرفته‌اند؛ زیرا نوع ارتباط آنها با یکدیگر جزء و کل است. چرا که عاقبت نمودی از تبلور رحیمیت خداوند متعال نسبت به بندگان است. دو شبه‌جمله مذکور از «دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا به دلیل داشتن رابطه جزء و کل با هم، در یک ستون و زیر هم قرار گرفته‌اند».

جمله ۱: «اللَّهُمَّ» نیز در اصل به صورت: «أدعوا الله...» بوده که فعل نداء از جمله حذف شده و حرف میم مشدد «م» جایگزین حرف نداء گردیده است؛ چرا که ذکر عوض و معوض با همدیگر جایز نیست (الدعاس، ۱۴۲۵ق، ص ۲۵۳)؛ بنابراین، در تحلیل انسجام متن باید فعل یا اسم محذوف برگردد و در کنار دیگر نمونه‌ها برای تعیین میزان انسجام، محاسبه شود.

در جمله ۶، ملاحظه می‌شود که واژه «حَظِّي» در یک ستون مستقل قرار گرفته است؛ زیرا نتوانسته با دیگر عوامل جدول ارتباط انسجامی برقرار نماید. در ادامه، برای تکمیل جدول، لازم است همه جمله‌های تشکیل‌دهنده متن به همین صورت در جدول قرار گیرند.

در جدول (۳) عوامل ایجاد کننده انسجام دستوری و واژگانی همراه با زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع رابطه آنها به صورتی دقیق‌تر بیان شود. مثلاً، در جدول (۳) ضمیر «ک» در (لک) در جمله ۲ به «الله» در جمله ۱ اشاره دارد و زیرمجموعه ارجاع به شمار می‌آید و یا

ضمیر «أنت» که در جمله ۶ و در فعل «فَلَا تَجْعَلْ» مستتر است، زیرمجموعه عامل حذف قرار می‌گیرد. همان‌گونه که در ستون جمله (۲۸) نیز فعل (صَلَّ عَلَيَّ) به قرینه لفظی ما قبل حذف گردیده و در ردیف عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد. ترکیب «عَاقِبَتُهُ» در جمله ۲۴، «عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ» یک بار دیگر در جمله ۲۶ یعنی عبارت: «عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ» تکرار گردیده است، بنابر این زیرمجموعه عامل تکرار قرار گرفته است. و یا اینکه کلمات «حُسْنِ قَضَائِكَ» در جمله ۲ و «بَلَائِكَ» در جمله ۴ و «رَحْمَتِكَ» در جمله ۶ و «عَاقِبَتِكَ» در جمله ۷ با یکدیگر رابطه جزء و کل داشته و لذا زیرمجموعه عامل جزء و کل قرار گرفته‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در این پژوهش برای عنصر واژگانی «نامگذاری» و «تشابه» در متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه، نمونه‌ای یافت نشده است.

جدول ۳) روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در دعای «۱۸» صحیفه سجادیه

	ارجاع	<p>ک (۲) الله (۱) / ت (۴) الله (۱) / ک در بَلَائِكَ (۴) الله (۱) / ی (۴) امام سجاده (ع) در سیاق کلام / (۲) الله (۱) / ی (۶) امام سجاده (ع) / ک در رَحْمَتِكَ (۶) الله (۱) / ت در عَجَلَتَ (۷) الله (۱) / ی در لی (۷) امام سجاده (ع) / ک در عَاقِبَتِكَ (۷) الله (۱) / ت در شَقِيتُ (۸) امام سجاده (ع) / ت در أَحَبِّتُ (۹) امام سجاده (ع) / ی (۱۰) امام سجاده (ع) / ت (۱۱) امام سجاده (ع) / ت (۱۳) امام سجاده (ع) / ه در فیه (۱۲) ما (۱۲) / ت در بت (۱۴) امام سجاده (ع) / ه در فیه (۱۴) ما (۱۴) / ی در لی (۱۹) امام سجاده (ع) / ی در عَنِّي (۲۱) امام سجاده (ع) / ت در قَدَمَتَ (۲۰) الله (۱) / ه (۲۴) ما (۲۴) / ه (۲۶) ما (۲۶) / ه در آله (۲۸) محمد (ص) (۲۷)</p>														
عوامل انسجام دستوری	جانشینی و حذف	<p>أدعو (۱)، (۵) / الله (۵) / أنا (۱)، (۵) / الحمد (۳) / لک (۳) / أنت (۶)، أنت (۱۹)، أنت (۲۱)، أنت (۲۲) / صَلَّ عَلَيَّ (۲۸) / أنا (۱) / أنا (۵) / أنا در أكون (۸) / ی (۶)، ی (۷) / ه (ه) كل شيء (۹)، ه (۱۱) / تكون (۱۵)، تكون (۱۷) / يكون (۲۴)، يكون (۲۶) / هذه العاقبة (۱۵)، هذه العاقبة (۱۷) / هذا البلاء (۱۶) / بين يدي وزير (۱۷) / هذا الوزير (۱۸) / ك (۲) الله (۱) / ت (۴) الله (۱) / ك (۴) الله (۱۹) / ی (۶) امام سجاده (ع) / ك در من رحمتك (۶) الله (۱) / ی (۶) امام سجاده (ع) / ی (۷) امام سجاده (ع) / ك در من رحمتك (۷) الله (۱) / ت در عجلت (۷) الله (۱) / ت در قَدْ شَقِيتُ (۸) امام سجاده (ع) / ت در أَحَبِّتُ (۹) امام سجاده (ع) / ی در غیري (۱۰) امام سجاده (ع) / ت در کرهت (۱۱) امام سجاده (ع) / ت در ظَلَمْتُ (۱۳) امام سجاده (ع) / ت در بت (۱۴) امام سجاده (ع) / ه در فیه (۱۳) ما (۱۳) / ه در فیه (۱۴) ما (۱۴) / ی در لی (۱۹) امام سجاده (ع) / ی در عَنِّي (۲۱) امام سجاده (ع) / ت در قَدَمَتَ (۲۲) الله (۱) / ه (۲۴) ما (۲۴) / ه (۲۶) ما (۲۶) / ه در آله (۲۸) محمد (ص) (۲۷)</p>														
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	<table border="1"> <tr> <td>ضمیر «ک»</td> <td>ضمیر «ت»</td> <td>ضمیر «ی»</td> <td>«ما»</td> <td>عاقبتنه</td> <td>غیر (۲۳)</td> <td>غیر (۲۵)</td> </tr> <tr> <td>(۲)، (۲)، (۴)، (۴)، (۷)</td> <td>(۸)، (۹)، (۷)، (۲۰)، (۲۲)</td> <td>(۶)، (۴)، (۷)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۴)</td> <td>موصول، (۷)، (۴)، (۷)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۲۱)</td> <td>(۲۴)، عاقبتنه (۲۶)</td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	ضمیر «ک»	ضمیر «ت»	ضمیر «ی»	«ما»	عاقبتنه	غیر (۲۳)	غیر (۲۵)	(۲)، (۲)، (۴)، (۴)، (۷)	(۸)، (۹)، (۷)، (۲۰)، (۲۲)	(۶)، (۴)، (۷)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۴)	موصول، (۷)، (۴)، (۷)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۲۱)	(۲۴)، عاقبتنه (۲۶)		
ضمیر «ک»	ضمیر «ت»	ضمیر «ی»	«ما»	عاقبتنه	غیر (۲۳)	غیر (۲۵)										
(۲)، (۲)، (۴)، (۴)، (۷)	(۸)، (۹)، (۷)، (۲۰)، (۲۲)	(۶)، (۴)، (۷)، (۱۱)، (۱۳)، (۱۴)	موصول، (۷)، (۴)، (۷)، (۹)، (۱۰)، (۱۱)، (۲۱)	(۲۴)، عاقبتنه (۲۶)												

لازم به ذکر است که زنجیره‌های یکسانی، با علامت اختصاری (ی) و زنجیره‌های شباهت، با علامت (ش) و یکسانی و شباهت مجموعاً با (ی/ش) نمایش داده شده‌اند:

جدول ۴) زنجیره‌های یکسانی و شباهت در دعای ۱۸ صحیفه سجادیه

جمله	ی/ش	ی/ش	ش	ش	ش	ش	ی/ش	ی/ش	ی	ی/ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش
۱	(أدعو)	الله																	(أنا)
۲	الحمد	لَكَ	(الله)																حُسْنِ قَضَائِكَ
۳	(الْحَمْدُ)	(لَكَ)	الله																
۴		تَ	(الله)																مَنْ بَلَّاتِكَ
۵	(أدعو)	(الله)																	(أنا)
۶	(أنت)	الله																	مَنْ رَحِمْتِكَ
۷		تَ	(الله)																مَنْ عَافَيْتِكَ
۸																			قَدْ شَقِيتُ
۹																			أَحْبَبْتُ كُلَّ شَيْءٍ
۱۰																			سَعَدَ غَيْرِي (الْإِنْسَانِ)
۱۱																			كَرِهْتُ
۱۲																			يَكُنْ (هو)
۱۳																			(ه) در (فيه)
۱۴																			(ه) در (فيه)
۱۵																			(هذه) الْعَافِيَةُ
۱۶																			(هذا البلاء)
۱۷																			(هذه) الْعَافِيَةُ

لا یرتفع		(هذا الوزر)											۱۸
قدم							لی		(أنت)	الله			۱۹
						آخرت		ما	ت	(الله)			۲۰
آخر							(ی در عنی)		(أنت)	الله			۲۱
قدمت								ما	(أنت)	الله			۲۲
	غیر کثیر							(ما)					۲۳
		عاقبت القیام	(یکون)					ما					۲۴
	غیر قلیل							(ما)					۲۵
		عاقبت القیام	(یکون)					ما					۲۶
		(أنت) أیها الإنسان				صل			محمّد				۲۷
		(أنت) أیها الإنسان				(صل)			اله				۲۸

حال براساس آنچه تاکنون بیان شد، درجه انسجام متن در دعای هجدهم صحیفه سجادیه، به صورت عملی محاسبه می‌گردد. برای این منظور لازم است در صد نمونه‌های مرتبط - دارای ارتباط با دیگر زنجیره‌ها- را نسبت به کل نمونه‌ها بسنجیم. کل نمونه‌ها، شامل عوامل شرکت کننده در جدول ۲ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل شرکت کننده در جدول ۴ هستند. نمونه‌های جنبی نیز عواملی هستند که در جدول ۴ دیده نمی‌شوند؛ اما در جدول ۲ حضور دارند. بر اساس جدول ۲ کل نمونه‌های در دعای هجدهم صحیفه سجادیه، (۸۹) مورد، نمونه‌های مرتبط در دعای هجدهم صحیفه سجادیه، (۸۸) مورد، و نمونه‌های جنبی یا بی‌هم‌زنجیره موجود در دعای یاد شده نیز تنها (۱) مورد در جمله ۶: «حظی» در جدول قابل ملاحظه است. این یک نمونه جنبی، تعامل زنجیره‌ای با دیگر واژگان نداشته و نتوانسته است با دیگر عوامل انسجامی متن دعا، ارتباط انسجامی برقرار نموده، به عبارتی «گره» (Tie) تشکیل دهد. بر همین اساس، انسجام متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه، ۹۸/۹۸٪ است. این رقم نشان می‌دهد که دعای

هجدهم صحیفه سجادیه، بر اساس نسخه جدید و الگوی تکامل یافته هالیدی و حسن ۱۹۸۵م از انسجامی بسیار بالا و نزدیک به صد در صد، برخوردار بوده که از منظر دانش زبانشناسی قابل توجه و تأمل است.

۵. نقد و ارزیابی داده‌های به دست آمده از جداول

در این بخش از مقاله، با استفاده از روش‌های آماری و دقیق ریاضی «توزیع فراوانی و درصد»، بسامد هر یک از عوامل دستوری و واژگانی محاسبه گردیده و در جدول و نمودارهایی که در زیر می‌آید، نشان داده شده است:

جدول ۸) توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در دعای ۱۸ صحیفه سجادیه

فراوانی عوامل	عوامل دستوری		عوامل واژگانی							
	ارجاع و حذف	جانیشینی	تکرار	جزء و کل	هم معنایی	تضاد معنایی	برابری	تشابه	نامگذاری	
فراوانی	۲۴	۶۲	۳۴	۳۵	۳	۸	۸	-	-	
درصد	٪۱۳/۷۹	٪۳۵/۶۳	٪۱۹/۵۴	٪۲۰/۱۱	٪۱/۷۲	٪۴/۶۰	٪۴/۶۰	-	-	
درصد کلی	٪۳۸/۳۵		٪۶۱/۶۵							

با تأمل در جدول ۸، می‌بینیم که نسبت عوامل دستوری به واژگانی در حد قابل توجهی بالاتر است. در میان ابزارهای دستوری، عنصر ارجاع ۲۴ مورد، و عنصر جانیشینی و حذف مجموعاً ۶۲ مورد به کار رفته است که این آمار، تفاوت بسامدی قابل توجه را با عناصر واژگانی موجود در متن دعا را نشان می‌دهد. از میان عوامل واژگانی نیز عامل جزء و کل ۳۵ بار و عامل تکرار ۳۴ بار به ترتیب بیشترین بسامدها را در مجموع عناصر واژگانی به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل عواملی مانند تضاد، برابری کمتر استعمال یافته و یا عناصر نام‌گذاری و تشابه در متن دعای صحیفه سجادیه، اساساً به کار نرفته است.

عامل ارجاع از عوامل دستوری با رقم ۲۴ بار علاوه بر انسجام‌بخشی به یک متن، می‌تواند توجه خواننده را از راه پی‌گیری مرجع ضمائر، به محورهای اصلی و فرعی دعا رهنمون سازد. جانیشینی و حذف نیز با رقم ۶۲ بار، علاوه بر انسجام‌بخشی به متن از تکرار نابجا در متن که سبب دل‌زدگی خواننده نیز می‌شود، جلوگیری نموده است و ما در متن صحیفه سجادیه متنی متجانس و متناسق را می‌بینیم که هر چیزی در جای خود، به اندازه و هماهنگ است، همچنان که

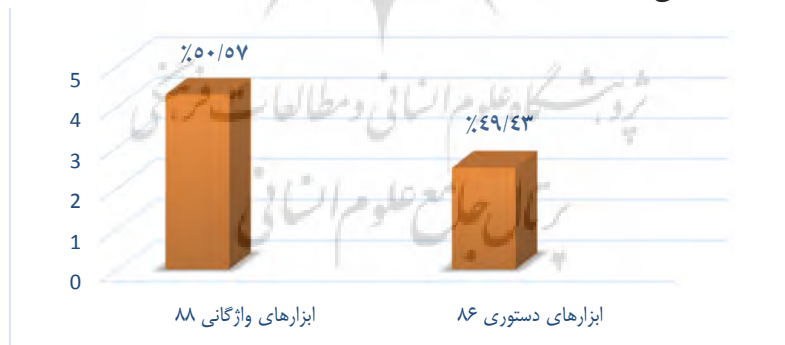
جایگزینی نیز می‌تواند در ایجاز کلام مؤثر باشد. این دو ویژگی در متونی که جنبه تعلیمی و تربیتی دارند، از اهمیت بیشتری برخوردارند.

در میان عوامل واژگانی، جزء و کُل ۳۵ و نیز تکرار ۳۴، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند که با هدف دعا و اصرار در هدایت‌بخشی آن از خداوند متعال نیز هماهنگ است. پس از جزء و کُل و تکرار، تضاد معنایی و برابری به‌طور مساوی با بسامد (۸) بار در متن دعا، بیشترین بسامد را در عوامل واژگانی به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، عامل واژگانی هم‌معنایی نیز کمترین بسامد را در این گروه دارد. عوامل واژگانی نام‌گذاری و تشابه در متن دعای هجدهم صحیفه سجاده انعکاس نیافته است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری، قابل ملاحظه است که بسامد عامل جانیشینی و حذف (۶۲)، مورد است که این موضوع بیشتر به سبب حذف ضمیر در افعال است که در زبان عربی بیشتر رخ می‌دهد.

جدول ۱۰) توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در دعای ۱۸ صحیفه سجاده

نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها	نمونه‌های جنبی	نمونه‌های مرتبط	کل نمونه‌ها	متن
%۹۸/۹۸	۱	۸۸	۸۹	دعای ۱۸ صحیفه سجاده

نمودار ۱۱) توزیع فراوانی و درصد عناصر دستوری و واژگانی در دعای ۱۸ صحیفه سجاده



۶. انسجام و پیوندهای معنایی و منطقی بین جملات دعا

مباحثی که تاکنون در باب انسجام دستوری و انسجام واژگانی و زیرشاخه‌های متعدد آن با توجه به نمودارها و جدول‌ها گفته شد، تماماً مربوط به انسجام در لفظ و گفتار بود که در آن ارتباط

منطقی بین جملات دعا از طریق واژگان و عناصر لفظی برقرار می‌شد؛ لذا در این بخش از مقاله، به مهم‌ترین عناصر انسجام‌بخش و ایجاد کننده ارتباط معنایی موجود در بین جملات دعا نیز پرداخته می‌شود. این عوامل که وصل کننده ارتباط منطقی بین جملات دعا هستند، توسط عوامل پیوندی خاصی صورت می‌گیرد که میان جمله‌ها قرار می‌گیرند و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند (صلح‌جو، ۱۳۹۱ش، ص ۲۴).

هالیدی و حسن، نخست پیوندها را به دو دسته کلان و خرد تقسیم می‌کنند. مقصودشان از پیوندهای کلان عباراتی است چون «روزی روزگاری» که شروع یا پایان یک موضوع را نشان می‌دهند پیوندهای خرد را به چهار دسته تقسیم می‌کنند که عبارتند از: (امرای و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۲۵).

الف) پیوندهای زمانی: مانند «سپس»، «بعد» و مشابه آن، برای مثال در جمله «شما بروید، من بعد می‌آیم».

ب) پیوندهای علی و سببی: مانند «در نتیجه»، «زیرا» و مشابه آن، برای مثال در جمله «او به مهمانی نرفت زیرا خسته بود».

ج) پیوندهای افزایشی: مانند «علاوه بر این» در جمله «پیرمرد خسته بود؛ علاوه بر این انگیزه‌ای برای ادامه سفر نداشت».

د) پیوندهای تبیینی و تقابلی: مانند «با این وجود»، مثال «هوا خیلی سرد است، با این وجود، من به پارک می‌روم» (ن.ک: همان، ص ۱۲۵؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ش، ص ۶۷).

در اینجا به برخی روابط و پیوندهای منطقی در متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه که سبب ایجاد انسجام و ارتباط معنایی و منطقی بین جملات دعا شده، پرداخته می‌شود:

۱-۶. پیوند زمانی

عوامل ربط زمانی، در زبان عربی حروف عطفی از قبیل: «واو، فاء و ثم» نمودار روابط زمانی معینی هستند که به ترتیب، «واو»، برای جمع بین دو متعاطف در یک زمان و با هم است. «فاء»، معنای ترتیب و تعقیب دارد و برای جمع و ترتیب بین دو متعاطف با اندکی فاصله زمانی به کار می‌رود و «ثم» نیز نوعی ترتیب زمانی با فاصله زمانی زیاد یا کم را شامل می‌شود. با دقت و تأمل در متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اتفاقاً متن دعای مذکور دارای قوی‌ترین عامل ارتباطی یعنی واو است که جملات، بندها و پاره‌گفتارها را در متن دعا به هم متصل نموده است.

به عنوان نمونه: «بَيْنَ يَدَيِّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ، وَوَزْرٍ لَا يَرْتَفِعُ، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ فَضَائِلِكَ، وَمَا صَرَفْتِ عَنِّيْ مِنْ بَلَائِكَ ... فَقَدِمْتُ لِيْ مَا اَخْرَجْتِ، وَاَجْرٌ عَنِّيْ مَا قَدَّمْتِ، فَعَبْرٌ كَثِيْرٌ مَا عَاقِبْتُهُ الْفَنَاءُ، وَعَبْرٌ قَلِيْلٌ مَا عَاقِبْتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» او عطف نمودار نوعی ارتباط زمانی بین جملات است که با توالی زمانی منظم و بدون هیچ فاصله زمانی آمده است. البته، امام سجاده (ع) از دیگر حروف ربط زمانی، مانند فاء عطف که مفید ترتیب و تعقیب زمانی است و نیز دیگر حروف عطف استفاده نموده‌اند؛ اما بسامد آن‌ها از ادات پیوندی «واو» به مراتب کمتر است. قابل ملاحظه است که استعمال حرف پیوندی «واو» در سراسر متن دعا سبب نوعی انسجام، یکسانی و ارتباط منطقی بین جملات گردیده و جملات متن را به مثابه کلی منسجم ساخته که همانند زنجیر به هم وصل شده است.

۶-۲. پیوند علی، سببی و شرطی

در این نوع ارتباط معنایی بین جملات متن، رابطه‌ای علی و معلولی، مقدمه و نتیجه و یا شرطی برقرار می‌شود. ارتباط سببی، شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است (ر.ک؛ امیری خراسانی و همکار، ۱۳۹۴ش، ص ۳۲۰). متن نیایش هجدهم و غیر آن از دعا‌های صحیفه سجاده، سرشار از این نوع روابط سببی و شرطی و نتیجه‌ای است. به‌عنوان نمونه، حرف فاء در جواب «إِنْ» شرطی در جمله: «فَقَدِمْتُ لِيْ مَا اَخْرَجْتِ...» نوعی ارتباط علی و سببی را شکل داده است: «وَأَنْ يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيْهِ، أَوْ بَتْ فِيْهِ مِنْ هَذِهِ الْعَاقِبَةِ بَيْنَ يَدَيِّ بَلَاءٍ لَا يَنْقَطِعُ، وَوَزْرٍ لَا يَرْتَفِعُ، فَقَدِمْتُ لِيْ مَا اَخْرَجْتِ، وَاَجْرٌ عَنِّيْ مَا قَدَّمْتِ».

و یا فاء تعلیلیه در عبارت: «فَعَبْرٌ كَثِيْرٌ مَا عَاقِبْتُهُ الْفَنَاءُ، وَعَبْرٌ قَلِيْلٌ مَا عَاقِبْتُهُ الْبَقَاءُ» نمایان‌گر نوعی توضیح بیشتر همراه با استدلالی منطقی برای تعویض رنج و بلای آخرت با خوشی و آسایش دنیاست که امام سجاده (ع) با ذکر دلیل از خداوند متعال می‌خواهد تا آسایش و عافیت دنیا را برایش مؤخر سازد و به‌عالم آخرت اندازد که آنجا نعمتش ابدی و عافیت و سعادتش جاوید است.

حرف فاء در «فَلَا تُجْعَلْ حَظِّيْ ...» نیز نوعی سبب و نتیجه برای جملات قبلی در مقدمه نیایش هجدهم است و یا حرف فاء سبب در جمله: «فَأَكُوْنَ قَدْ شَقِيْتُ بِمَا أَحْبَبْتُ ...» نیز نوعی ارتباط منطقی بین سبب و مسبب را فراهم آورده است.

۶-۳. پیوند افزایشی و توضیحی

در این نوع رابطه بین جملات یک متن، مؤلف یک اضافه توضیحی یا توصیفی و یا صله موصولی را به دنبال کلام اصلی خویش می‌آورد که غالباً هم نمایان‌گر توضیح و ایفای کلام قبلی و یا توصیف و اطنابی در راستای تلذذ در کلام و مخاطب با دیگری است. این گونه اطناب‌های توضیحی در متن نیایش هجدهم از امام سجاد (ع)، با خداوند متعال به‌وفور دیده می‌شود. مانند: «فَلَا تُجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتُ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ...».

در این دعا، جمله «مَا عَجَّلْتُ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ» به‌نوعی بدل و توضیحی برای رحمت واسعه و عام خداوند در جمله: «فَلَا تُجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ» است و نوع رحمتی را بیان می‌دارد که قرار است با دعای امام سجاد (ع) مشمول حال ایشان شود. از طرفی، امام (ع)، به دنبال صله موصول، توضیح داده‌اند که عافیت زودگذر را به‌عنوان بهره و نصیبی از رحمت بی‌پایان خداوند متعال نمی‌خواهند؛ بلکه با آوردن جمله مقید به صله، به‌نوعی به توضیح موصول عام «ما» پرداخته و بیان می‌دارند که خواهان آن نوع رحمت و سلامتی از جانب خداوند متعال هستند که دایمی و پایدار است نه زودگذر.

۶-۴. پیوند تقابلی و استدرآکی

کلمات ربط تقابلی نشانه‌هایی هستند که رابطه تقابلی میان بندها را رمزگذاری می‌کنند و مبین رد انتظارات و مفروضات قبلی هستند. در این نوع ارتباط، مطالب بعدی برای مخاطب برجسته‌تر می‌گردد و موجب جلب توجه بیشتر خواننده به متن می‌شود. این نوع ارتباط در فارسی، اغلب با نشانه‌های متنی، مانند «ولی، ولیکن، اما، اگرچه، هرچند، علی‌رغم و با وجود آنکه» همراه است که نوع از ادات پیوندی در متن نیایش هجدهم، ملاحظه نشد.

به هر حال، برای پیوند دادن بندهای هم‌پایه در زبان‌های گوناگون از راهکارهای مختلفی استفاده می‌شود. گاهی فقط معنا و کاربردشناسی، ناظر بر ارتباط دو بند است، ولی در بیشتر مواقع کلمات ربط میان‌بندی هستند که موجب ارتباط دو بند با یکدیگر و ساخت جمله می‌شوند (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵۰) و نوعی ارتباط منطقی و در نتیجه انسجام معنایی را در بین جملات دو بند به‌وجود می‌آورند.

در نیایش هجدهم از صحیفه سجادیه، با توجه به رابطه معنایی بندها و جملات با یکدیگر، انواع مختلفی از کلمات ربط مورد استفاده قرار گرفته و مهم‌ترین آنها حرف عطف واو است که مطلقاً مفید جمع و اتصال زمانی و منطقی دو جمله با یکدیگر است. بهره‌گیری امام سجاد (ع) از مهم‌ترین عوامل ارتباط دهنده و انسجام‌بخش جملات و زیرشاخه‌های متعدد آن، به‌ویژه حرف عطف واو، انسجام منطقی و ارتباط معنایی بین جملات این خطبه را به‌مراتب بالا برده و آن را

به‌منزله کلی واحد و منسجم قرار داده است تا جایی که شاید بتوان گفت که حرف پیوندی و او عطف، به‌تنهایی، این دعا را از دیگر عناصر پیوندی نیز بی‌نیاز ساخته است. چرا که او عطف قوی‌ترین ابزار توالی و انسجام جملات است تا جایی که بلاغت‌دانان عدم ربط و انفصال بین جملات را با ترک استعمال او و آوردن به‌شکل استیناف و جمله ابتدائی نشان داده‌اند (ر.ک: سکاکی، ۱۹۸۷م، ص ۲۴۹-۲۴۸).

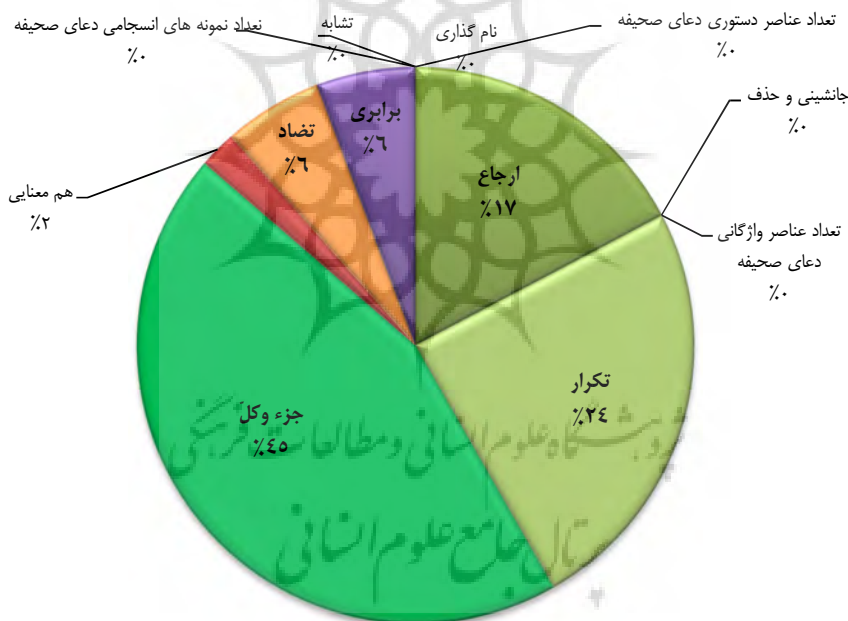
نتیجه‌گیری

دستاورد حاصل از تطبیق این الگو در متن نیایش هجدهم از صحیفه سجاده از امام سجاد (ع) نشان داد که:

۱. متن دعای هجدهم از صحیفه سجاده دارای انسجامی بسیار بالا و نزدیک به ۱۰۰٪ است که بسامدی بسیار قابل توجه و ستایش به‌شمار می‌رود.
۲. غالب عوامل انسجام واژگانی، دستوری و نیز پیوندی یا نظم منطقی جملات در متن دعای هجدهم صحیفه سجاده قابل ملاحظه و واکاوی علمی است.
۳. امام سجاد (ع)، در حیطه ارتباط و انسجام معنایی جملات غالباً از عوامل ربط زمانی به‌ویژه او عطف و نیز عوامل ربط سببی، شرطی و نتیجه‌ای بهره بیشتری گرفته است که همین بهره‌گیری از عوامل ربط مختلف بین جملات سبب انسجام و اتصال بیشتر جملات و بندها گردیده است.
۴. در مجموع ۸۹ مورد نمونه انسجامی در این نیایش کوتاه از صحیفه سجاده بازبینی شد که نمونه‌های مرتبط و دارای وابستگی معنایی آن، ۸۸ مورد؛ نمونه‌های جنبی و غیر وابسته آن تنها یک مورد است؛ بنابر همین اطلاعات مکتسبه از متن دعا میزان انسجام و همبستگی این نیایش دینی ۹۸/۹۸٪ است.
۵. تقریباً تمامی عوامل انسجام غیر ساختاری با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در میزان فراوانی، در متن دعای هجدهم از صحیفه سجاده حضور فعال دارند. ولی، دو عامل «نامگذاری» و «تشابه» در متن دعا بازتاب نیافته است.
۶. در میان ابزارهای دستوری و واژگانی، عامل جانشینی و حذف از بخش ابزارهای دستوری، با مجموع فراوانی (۶۲) مورد، بالاترین و عامل هم‌معنایی از بخش ابزارهای واژگانی، با فراوانی (۳) مورد، کمترین میزان حضور را در متن دعای صحیفه سجاده داشته‌اند.

۷. مقایسه عوامل انسجام دستوری نشان داد که دو عامل جانمایی و حذف مشترکاً، با بسامد فراوانی (۶۲) مورد در جایگاه نخست و سپس عامل ارجاع، با بسامد (۲۴) مورد در جایگاه بعدی قرار دارد.

۸. مقایسه عوامل انسجام واژگانی نیز نشان داد که عامل جزء و کل با بسامد فراوانی (۳۵) مورد، و عامل تکرار با بسامد (۳۴) مورد، به ترتیب بیشترین میزان حضور را در متن دعای صحیفه دارند. از طرفی، دو عامل تضاد معنایی و برابری نیز مشترکاً با بسامد فراوانی (۸) مورد، در جایگاه سوم قرار گرفته‌اند. کمترین بسامد فراوانی با نسبت حضور (۳) مورد نیز متعلق به عامل واژگانی هم‌معنایی در متن دعای صحیفه سجادیه است که در جایگاه چهارم قرار گرفته است. نمودار کلی فراوانی ابزارهای انسجام در متن دعای هجدهم صحیفه سجادیه، به شرح زیر است:



کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- اندلسی، أبو حیان (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، التحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۸۸ش)، *شرح المختصر علی تلخیص المفتاح*، قم: اسماعیلیان.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۷ش)، *زبان و ذهن*، ترجمه کورش صفوی، طه، تهران: هرمس.
- الدعاس، أحمد عبید؛ حمیدان، أحمد محمد؛ القاسم، إسماعیل محمود (۱۴۲۵ق)، *إعراب القرآن الکریم*، الطبعة الأولى، دمشق: دارالمنیر ودارالفارابی.
- زمانی، محمدحسن؛ قانع اردکانی، علی (۱۳۹۱ش)، *نقد شبهات مستشرقان درباره تناسبات آیات قرآن*، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲.
- سارلی، ناصر قلی؛ ایشانی، طاهره (۱۳۹۰ش)، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان (قضه نردبان)»، *فصلنامه زبان پژوهی*، دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۴.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۳ش)، *نشانه شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم.
- سکاک، أبو یعقوب یوسف ابن ابی بکر (۱۹۸۷م)، *مفتاح العلوم*، تعلیق و ضبط، نعیم زرزور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صحیفه کامله سجاده و رساله حقوق امام سجاده (ع)* (۱۳۹۰ش)، مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای، قم: مؤسسه انتشارات نشتا.
- لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۸۷ش)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد (۱۳۷۶ش)، *به سوی زبان‌شناسی شعر*، تهران: نشر مرکز.
- موندی، جرمی (۱۳۸۹ش)، *درآمدی بر مطالعات ترجمه*، ترجمه الهه ستوده‌نیا و فریده حق‌بین، تهران: نشر علم.
- نعمتی قزوینی، معصومه؛ ایشانی، طاهره (۱۳۹۴ش)، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، *فصلنامه قرآن پژوهی*، سال بیستم، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۲۰.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۲ش)، «بررسی کلمات ربط تقابلی فارسی و چگونگی تکوین آنها»، *فصلنامه جستارهای زبانی*، دوره ۴، شماره ۴، صص ۲۵-۲۴۵.
- هالیدی و حسن (۱۳۹۳ش)، *زبان، بافت و متن*، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: نشر علمی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳ش)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: نشر هرمس.
- Halliday, M. A. K. (1985). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. & cristian M.I.M. Matthiessen (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Hodder Arnold.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی